

حواشی جنجالی در کنسرت تتلو

کنسرت تتلو با حواشی زیادی برگزار شد از از درگیری تا معرفی سحر قریشی به عنوان همسر امیر تتلو.

به گزارش سایت خبری پرسون، خودش باور کرده بزرگ یک قبیله است و پیروانی دارد، قبل از شروع کنسرت خطاب به پیروانش نصیحت می‌کند، گزاره‌های ساده و عمدتاً با تمرکز روی فردیت! جمعیت دوست دارد از این حرف‌ها بشنود؛ «تو مرکز جهانی»!

استانبول دیشب کلاس جامعه‌شناسی بود؛ خانم بازیگر وارد سالن می‌شود، از آن طرف تتلو از هوادارانش می‌خواهد به صحبت‌هایش توجه کنند، طرفدارانش اما مثل خودش، خیلی در قید و بند چیزی نیستند، تتلو را دوست دارند اما مطابق با آن چه که خود تتلو هم تبلیغ می‌کند، جهان در ابتدا بر مدار «خودشان» می‌چرخد.

آن قدر این «خود» پررنگ است که حین خواندنش کتک‌کاری هم می‌کنند، تتلو با فحاشی طرفداران حاشیه‌سازش را بدرقه می‌کند! این که بنویسم ابتذال، این که آن‌ها را تخطئه کنم که خب خیلی کار راحتی‌ست، آسیب‌شناسی ماجرا هم که اصلاً اگر آسیب تلقی شود هم نیاز به یک کار همه‌جانبه دارد، اینجا من و امثال من بیشتر مرور میکنیم.

ماجرای یک بازاریابی هوشمندانه

با فاصله که نگاه می‌کنی، لایو خواهرش، وجود سحر قریشی و حتی شکل تبلیغ کنسرتش در تهران و حتی آن خبری که روز گذشته آمد و کنسرت تتلو را در قیمت لیر تاثیرگذار می‌دانست، همه اجزای یک پازل هستند، نه توطئه‌ای در میان است و نه مافیایی.

این بیشتر از هر چیز یک بازاریابی هوشمندانه است، همه چیز طوری چیده شده که کار بفروشد و می‌فروشد هم. سری به مهمانی‌های شهر بزنید؛ کوچک و بزرگ کارهایش را حفظ هستند حتی همان رکیک‌ها را، آن چه که سال‌ها «زیر زمین» نام می‌گذاشتید، حالا اتفاقاً روی زمین است و از آسانسور آپارتمان‌ها بالا رفته و به گوش همه رسیده.

اینجا کوچینی و لاله‌زار نیست! واروژان و شهیار قنبری و hellip; متعلق به گذشته هستند، حتی دوران پاپ تحت کنترل شما هم گذشته، ابراهیم‌زاده و صادقی و hellip; جواب نمی‌دهد. موسیقی بازار مبتنی بر آموزه‌هایی دقیق در شناخت نبض جامعه است، تتلو مارکت‌باز قهار است، سوشال مدیا را دقیق می‌شناسد و از تمام حواشی اطرافش به نفع خودش بهره می‌برد. واقعیت مفهوم غیرقابل کنترل و وسیعی‌ست، در کنترل نمی‌آید.

و تتلو بخشی از واقعیت است، متکثر، متنوع و تعیین‌ناپذیر، دایی جان ناپلئون تقوایی و پزشک‌زاد همیشه با عینک بدبینی به دنبال توطئه‌ای بود که اتفاقاً هیچ‌وقت هم در جریان نبود! اما مش قاسم همان سریال در همان کنج عزلتش دقیق‌ترین راهکارها را به سعید می‌داد، اتفاقاً دایره نفوذ مش قاسم در همان عمارت بیشتر بود، چون واقعیت را پذیرفته بود، برخلاف دایی جان که تا پای مرگ از جنگ تخیلی کازرون می‌گفت.

شاید آن که واقعیت را می‌پذیرد، به مرور قدرتمندتر می‌شود و آن که انکار می‌کند، همیشه ضعیف‌تر می‌شود.

منبع: وقت صبح